

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۹۶، صفحات ۱۷۷-۱۹۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۶

بینش و روش محمد کاظم مروی در تاریخ‌نگاری عالم‌آرای نادری

اکرم ناصری^۱

عباس سرافرازی^۲

زهرا علیزاده بیرجندی^۳

چکیده

در قلمرو تاریخ‌نگاری و نقد تاریخی توجه به بینش و روش مورخ امری ضروری است. بینش و روش در تاریخ‌نگاری دو مقوله تفکیک‌ناپذیر و مرتبط با یکدیگرند. شناخت مورخ و اثر تاریخ‌نگارانه‌ی او مبنای شناخت زمانه اوست و فهم متون تاریخ‌نگارانه در هر عصری مستلزم شناخت عناصر روشی و بینش حاکم بر متن تاریخی است.

نوشتار حاضر بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی به بررسی بینش و روش مروی، نویسنده *عالم‌آرای نادری*، اختصاص دارد. این اثر یکی از منابع تاریخ‌نگاری سلسله‌ای عصر افشاریه است. در واکاوی بینش مروی در *تاریخ عالم‌آرای نادری* به گرایش‌ها و باورهای مورخ در چند محور مشیت‌گرایی، اعتقادات، نخبه‌گرایی و بینش انتقادی پرداخته شده است. در بررسی روش مروی نیز، مؤلفه‌هایی که در مباحث روش‌شناختی مدنظر قرار می‌گیرد، نظیر تحلیل ویژگی‌های سبکی، منابع مورد استفاده و عواملی از این دست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که در نگارش *عالم‌آرای نادری*، عواملی چون موقعیت اجتماعی و گرایش‌های فردی مؤلف در کنار ویژگی‌های زبانی و بافت موقعیتی زمانه بر بینش و روش تاریخ‌نگارانه‌ی متون این عصر تأثیر گذارده است.

واژگان کلیدی: محمد کاظم مروی، *تاریخ عالم‌آرای نادری*، تاریخ‌نگاری، بینش، روش.

Email: akram.naseri@stu.um.ac.ir

Email: ab.sarafrazi@um.ac.ir

Email: zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

***The Approach and the Insight of Mohammad Kazem Marvi
in the Histography of Alam Araye Naderi***

A. Naseri¹

A. Sarafrazi²

Z. Alizadeh Birjandi³

Abstract:

Paying attention to the historian's insight and method is necessary in the realm of historicism and historical critique. Insight and method are two unseparable and related topics in historicism. The recognition of the historian and his historical work is the basis of knowing his time and understanding the historical texts in any era requires recognition of the elements of the method and insight governing the historical text.

The present paper is based on descriptive-analytical method to investigate Mohammad Kazem Maravi's insight and method, the writer of Alam Araye Naderi. This work is one of the historical sources of the Afshari era. In the search for Marvov's insight in Alam Araye Naderi, some effective tendencies, beliefs and desires of the historian have been addressed in several aspects of belief in appreciation, religious insight, elitism and critical insight. Also, important components in methodological discussion such as the analysis of the characteristics of the style, the resources used and some other factors have been analysed in this study. The achievements of this study show that the factors such as the social status and individual tendencies of the author, along with linguistic features, in the light of the circumstances and circumstances of the time have influenced the insight and historiographical method of the texts of this age in this work.

Keywords: Mohammad Kazem Marvi, The history of Alam Araye Naderi, Histography, insight, method.

1-PHD student of History of Islamic Iran, University of Ferdowsi of Mashhad.

Email: akram.naseri@stu.um.ac.ir

2-Associate Professor of History, University of Ferdowsi of Mashhad (Responsible author).

Email: ab.sarafrazi@um.ac.ir

3-Associate Professor of History, University of Birjand

Email:ZAlizadeBirjandi@Birjand.ac.i

مقدمه

واکاوی بینش و روش مورخ، یکی از شیوه‌های رایج در نقد و بررسی متون است. در میان شاخص‌های بینشی می‌توان از جهان‌بینی، باورهای اعتقادی، بافت موقعیتی و ارزش‌های اجتماعی روزگار مورخ یاد کرد. در مباحث روشی نیز عوامل متعددی نظیر سبک نوشتاری رایج زمانه، تحصیلات، دانش، ذوقیات و پایگاه اجتماعی مورخ در تکوین متن تأثیر گذارند.

نوشتار حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های بینشی و روشی در تاریخ‌نگاری مروی و جستجوی تأثیرات این دو مقوله در *تاریخ عالم‌آرای نادری* نگاشته شده است. دغدغه اصلی این مقاله، پاسخ‌گویی به این پرسش است که گرایش‌های مروی چه تأثیری در تاریخ‌نگاری او داشته است؟ در این راستا مفروض است که باورها و گرایش‌های فکری مروی در گزینش رخدادها و تحلیل آنها و ویژگی‌های سبکی *عالم‌آرای نادری* تأثیرگذار بوده است.

در نقد و بررسی پیشینه پژوهش گفتنی است که در باب بینش و روش در *تاریخ عالم‌آرای نادری*، پژوهشی مستقل نگارش نیافته است. درباره این موضوع می‌توان به صورت پراکنده و به شیوه توصیفی در تحقیقات انجام شده درباره تاریخ افشاریه و در برخی موارد آثار مربوط به دوران صفویه مطالبی یافت. خانم کوبین در کتاب *تاریخ‌نویسی در روزگار صفویه* به هنگام بحث پیرامون میراث تاریخ‌نگاری صفوی، صفحاتی را به *عالم‌آرای نادری* و شاخصه‌های تاریخ‌نگاری مروی اختصاص داده است. وی ضمن تأکید بر استمرار سنت تاریخ‌نویسی صفوی در متون تاریخی افشاریه، بر متابعت مروی از الگوهای صفوی صحه گذارده و برای اثبات مدعای خویش، جنبه‌هایی از *عالم‌آرای نادری* (دیبچه و رؤیای امام قلی) را مورد بحث قرار داده است. گفتنی است که پیش از ترجمه بخشی از کتاب کوبین توسط آقای دکتر صفت‌گل، مقاله‌ای تحت عنوان «میراث تاریخ‌نگاری عصر صفوی» در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده که در طی آن آقای فرشید نوروزی ضمن معرفی کتاب کوبین، اشاراتی به متابعت مروی از سنت‌های صفوی داشته است. مباحث این مقاله عیناً

همان مطالب کتاب کوبین است که به آن اشاره شد. مباحث کوبین با محتوای مقاله پیش رو از جهت مؤلفه‌های مورد بررسی بویژه در بحث بینش تفاوت اساسی دارد و نویسنده صرفاً بر روی یک شاخصه - استمرار سنت تاریخ‌نگاری صفویه - تأکید ورزیده است.

در میان دیگر تحقیقات نیز می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان «عالم آرای نادری» از دکتر رضا شعبانی اشاره کرد. این مقاله در سال ۱۳۶۴ در دو صفحه به چاپ رسیده است. نویسنده ضمن معرفی کتاب، نگاهی گذرا به مباحثی چون زمان تألیف اثر و منابع مورد استفاده مورخ داشته است. مقاله دیگر با عنوان «مروى و عالم آرای نادری» از علی سالاری در سال ۱۳۸۳ نگارش یافته است. نویسنده تنها در چند سطر به ذکر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این اثر پرداخته، اما بحثی پیرامون بینش و روش مورخ و عوامل تأثیرگذار بر این دو مقوله مطرح نکرده است. مقاله دیگری تحت عنوان «شعر و شاعری در عالم آرای نادری» از محمد طیبی در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله ضمن تقسیم‌بندی اشعار به تعلیمی و حماسی به چگونگی استفاده مروى از شعر در توصیف حوادث پرداخته، ولی سخنی از بینش و روش مورخ به میان نیاورده است. از سوی دیگر تحقیقات صورت گرفته در زمینه تاریخ‌نگاری اغلب توصیفی بوده و رویکرد تحلیلی و انتقادی در آن کمتر به چشم می‌خورد. با توجه به خلاء تحقیقاتی در حوزه تاریخ‌نگاری افشاریه، بویژه فقدان پژوهش‌هایی روشمند مبنی بر مبانی تئوریک، انجام پژوهش‌هایی در حوزه تاریخ‌نگاری این دوره ضروری می‌نماید.

شاخصه‌های تاریخ‌نگاری مروى از بُعد روشی

تاریخ *عالم آرای نادری* یکی از منابع عصر افشاری است که در خلال سال‌های ۱۱۰۰ هـ.ق - ۱۱۶۰ هـ.ق نگارش یافته است. حوادثی چون شکست‌های آخرین روزهای سلطنت شاه سلطان حسین، سقوط اصفهان، برآمدن نادر و پیروزی‌های او در حفاظت از ایران، روزهای پایانی نادر و آشفتنگی‌های پس از مرگ او را در بر می‌گیرد. این اثر یکی از مفصل‌ترین زندگینامه‌های نادر و منبعی ارزشمند برای شناخت اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران عصر افشاری است.

روشی را که مروی در تدوین این اثر به کار گرفته، از برخی جنبه‌ها با سایر آثار تاریخی همسانی‌هایی دارد، لکن با توجه به فضای فکری و شخصیت مورخ، شاخصه‌هایی در روش نگارش وی دیده می‌شود که پرداختن به آن برای شناخت این منبع تاریخی ضروری است. مروی کتابش را در سه جلد با یک مقدمه به رشته تحریر درآورده است. تقسیم‌بندی عالم‌آرای نادری به سه جلد، تردیدی باقی نمی‌گذارد که از الگو و سبک تاریخ عالم‌آرای عباسی پیروی کرده است. این امر به تعبیر کوبین مؤید دیرپا بودن الگوهای تاریخ‌نویسی صفوی و تأثیر آن در اثر مروی است (کوبین، ۱۳۸۷: ۱۵۴). تاریخ عالم‌آرای نادری به شیوه‌ی تاریخ‌های سلسله‌ای نگارش یافته است.

از عالم‌آرای نادری یک نسخه خطی سه جلدی موجود است که شاید به خط مؤلف و یا به سفارش او نوشته شده، این نسخه ابتدا در بخارا بوده و اینک به کتابخانه بخش شرقی فرهنگستان علوم روسیه انتقال یافته است. جلد‌های دوم و سوم کتاب در سال ۱۹۱۰م. توسط بارتولد و جلد اول آن در سال ۱۹۳۹م. توسط میکلوخوماکالای معرفی گردید (میرجعفری، ۱۳۸۶: ۱۱۷). وی در خصوص ارزش کتاب می‌نویسد: «این اثر به پژوهشگران امکان می‌دهد تا تصورات خود را پیرامون ویژگی‌های دولت نادر، نقش گروه‌های مختلف طبقه حاکمه، وضع مردم و مبارزه آنان علیه استعمار و خودسری مأموران شاه عمیق‌تر کنند» (مروی، ۱۳۷۴: ۷۲).

مروی در مقدمه کتاب و قبل از ورود به باب‌های اصلی، به بیان اهداف نگارش اثرش پرداخته است. وی یکی از مهم‌ترین هدف‌های تاریخ‌نگاری‌اش را تقرب به سلطان می‌داند. مروی تحسین از نادر را در تقرب‌جویی به اوج رسانده و شرح حال او را در مقایسه با دیگر پادشاهان عظیم‌تر یافته‌است (مروی، ۱۳۷۴: ۳/۱). تبیین اهداف توسط مروی در مقدمه نشانگر روشمندی این مورخ در تنظیم اثرش است.

مروی در نگارش کتاب به دنبال هر مطلب، ماهیت روایات را با ذکر جزئیات روشن کرده است و تاریخ او ساخته و پرداخته تخیلات ذهنی‌اش نیست. وی در این باره می‌نویسد: «آنچه پرتو شعورم بر آن تافته بود بی‌زیاده در قلم آوردم و آنچه اطلاع بر کیفیت آن نداشتم

به اقوال ناقلان اعتماد نموده در قید کتابت آوردم» (همان: ۳/۱).

مؤلف عالم‌آرای نادری در قسمتی از مقدمه در مورد خطاهایی که در کتاب وی به وجود آمده است با مخاطبان خود این گونه سخن می‌گوید: «در نیک و بد آن به دیده انصاف نگرند، اگر نقصی در اخبار به نظر درآید، دیده عیب بین پوشیده دارند و اگر خطایی به نظر آید زبان اعتراض نگشوده به سرعت کتابت حمل نمایند و از عیب‌جویی که منافی حسن اخلاق است احتراز لازم شمرند» (همان: ۴/۱). مروی در نقل قول فوق، خواستار منصف بودن خوانندگان، عیب‌پوشی و عدم اعتراض بر خطاهایی است که به سهو در کتاب او راه یافته است. وی عیب‌جویی را عملی منافی اخلاق نیکو قلمداد نموده است. این نکته نشان می‌دهد که مروی چندان پذیرای انتقاد نبوده و نقادی را معادل عیب‌جویی دانسته است.

نثر و سبک مروی در تاریخ عالم‌آرای نادری

یکی از مسائل مهم در بررسی آثار تاریخی، ارزیابی ویژگی‌های ظاهری نوشته است که یکی از آنها ارزیابی نثر می‌باشد (شکوری، ۱۳۸۰: ۱۵). مروی در بسیاری از روایت‌های خود از الگوی تاریخ‌نگاری پیشینیان بهره برده است. نثر مروی در نگارش اثرش جز در موارد اندک، با زبانی ساده و روان بوده و مورخ سبکی بینابین را در نگارش برگزیده است. ظهور این سبک در تاریخ‌نویسی به سده‌های پنجم و ششم هجری باز می‌گردد (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۷۳). نثر بینابین در آثاری چون کلیله و دمنه، مقامات حمیدی و تاریخ‌وصاف قابل مشاهده است (بهار، ۱۳۸۰: ۱۳۳؛ شمیسا، ۱۳۷۷: ۸۵). این نوع نثر زمینه را برای ایجاد نثری زیبا به نام نثر فنی آماده کرد. از عوامل مختلفی که نثر این دوره را از سادگی و ایجاز خارج کرد، می‌توان به کاربرد سجع، موازنه، آیات، اشعار و اطناب اشاره کرد (صفا، ۱۳۵۲: ۱۰).

سبک نگارش در عالم‌آرای نادری به یک شیوه و اسلوب نیست. آن هنگام که از عبارات‌های توصیفی استفاده می‌کند، سبک نگارش به پیچیدگی روی می‌آورد و به کارگیری آیات قرآنی، سجع، اطناب و اشعار به تکلف کمک می‌کند، به طوری که وی در شرح برخی از رویدادها و بویژه در مدح نادر، تکلف را به اوج رسانده است (مروی، ۱۳۷۴: ۴۴۵/۲)، اما در نقل وقایع، نثری ساده را در پیش می‌گیرد. در مقایسه فهم این دو سبک، کاربرد نثر مرسل

در *عالم‌آرا* به مراتب بیشتر از سبک متکلف است. مروی در خصوص سبک نگارش در اثرش می‌نویسد: «امید که عبارات ساده بی‌تکلفانه‌اش که خالی از عبارات منشیانه است، پسند عامه گردد» (همان: ۳/۱).

در مورد نحوه‌ی کاربرد افعال مؤلف، شأن فاعل را مدنظر داشته، چنانکه برای نادر، افعال جمع را به کار برده است. قرار گرفتن واژگان استعاری نظیر «ظل‌سبحانی»، «ظل‌یزدانی» و «ظل مرتبه الوهیت» همراه با صفاتی چون شجاعت و عدالت بیانگر وجود گفتمان نخبه‌گرا در گزارش‌های مروی است. در نقل برخی از روایت‌ها، استعاره‌ها و تعابیر مثبت برای بزرگ‌نمایی سپاه نادر در برابر دشمن، به کار گرفته شده‌اند. استفاده از تعابیری چون «لشکر نصرت شأن» و «شیر ژیان» (مروی، ۱۳۷۴: ۱۰۲۹/۳) شاهد این مدعا است. از سوی دیگر کاربرد صفات در سخنان مروی بیشتر برای نشان دادن بُعد قداست بوده که در قسمت بینش به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد، چرا که کاربرد این صفات بازتاب بینش مورخ است که نگرش‌های او را در این کلمات به نمایش می‌گذارد. همچنین کاربرد صفات و تعبیرات مربوط به نادر، نشانگر تلاش نویسنده در راستای اقتداربخشی و به نمایش گذاشتن توان نظامی شاه است.

شیوه وقایع‌نگاری در *عالم‌آرای نادری*

از جمله روش‌های تاریخ‌نگاری در *عالم‌آرای نادری*، ذکر حوادث بر اساس وقایع است. همان تاریخ‌نویسی رویدادنگارانه که این روش ادامه همان تاریخ‌نگاری ایران قبل از دوره صفویه است (صفت‌گل، ۱۳۷۹: ۱۷). مروی نیز از روش تاریخ‌نگاری رویدادنگارانه پیروی کرده و خود را «واقعه‌نویس»، «وقایع‌نگار» و «سازنده‌نگار» نامیده است (مروی، ۱۳۷۴: ۳/۱؛ ۱۰۸۶/۳). در گزینش رخدادها و اولویت دادن به نقل برخی روایت‌ها، مروی تحت تأثیر عوامل متعددی بوده، در میان این عوامل، بینش نخبه‌گرایانه‌ی وی سبب سیطره و کثرت رخدادهای سیاسی شده است.

از دیگر نکات روشی در *عالم‌آرای نادری* توجه مورخ به ذکر جزئیات است. از آن جمله می‌توان به ذکر جزئیات برنامه‌های کشورداری نادر و شرح تاجگذاری وی در دشت مغان

اشاره کرد. ذکر نمونه‌ای از این جزئیات خالی از لطف نیست: «صاحبقران مقرر فرمود که خیمه دوازده دیرک نادری برپا نمودند و هر دیرک بیست و چهار ذرع ارتفاع داشت و کویزهای طلا در آن و دوازده هزار میخ بر زمین و با طناب ابریشم هفت رنگ نصب کرده و چهار قبه طلا بر سر دیرکها می‌نشانند و فاصله بین الدیرک ده ذرع بود» (همان: ۴۵۴/۲). از دیگر موارد می‌توان به مقدمات جشن دهلی توسط نادر، گزارش‌های مورخ در مورد تعداد نیروهای تحت فرمان نادر و توجه به میزان مبالغ پرداختی او به سپاهیان اشاره کرد (Axworthy, 2007:635).

نویسنده در بیان وقایع هر مقطع زمانی، اشاره‌ای به رخدادهای گذشته دارد. وی گاه با ذکر جزئیات به شرح رویدادی در جلد اول پرداخته و آنگاه که ضرورت ایجاب کرده برای توضیح بیشتر در جلد‌های دیگر با رعایت پیوستگی مطالب به ذکر آن پرداخته است. برای مثال می‌توان به شرح نبردهای نادر با کردهای یزیدی (مرو، ۱۳۷۴: ۸۹۸/۳)، تسخیر داغستان و تصرف کرکوک (همان: ۳۰۰/۱) اشاره کرد. همچنین اطلاعات دیگر درباره حوادث فوق را با عنوان «در جلد سوم خواهد آمد» به جلد‌های بعد موکول کرده و با عبارت «بقیه حوادث» (همان: ۸۸۱/۲) به شرح آن پرداخته است. این روش در تاریخ‌نگاری وی، تداعی کننده روش مؤلف *عالم آرای عباسی* است که هرگاه مطلبی را که مربوط به جلد دیگری می‌شده در قسمتی دیگر آورده و درباره چرایی اقدامش نیز توضیح داده است (ترکمان، ۱۳۵۰: ۷۸/۱).

در تکرار وقایع فوق از سوی مورخ، بار دیگر نگاه نخبه‌گرایانه وی پیرامون کامیابی‌های نادر قابل توجه است. مروی در ذکر زمان وقایع، یکسان عمل نکرده و شیوه‌های متفاوتی نظیر ذکر دقیق زمان رخداد تاریخی (مرو، ۱۳۷۴: ۵۶۵/۲)، آوردن اشارات کلی در مورد زمان وقوع حادثه (همان: ۵۱۹/۲) و کاربرد صفات و استعارات برای بیان زمان رخداد (همان: ۵۰۱/۲) را در پیش گرفته است.

پس از بررسی این اثر تاریخ‌نگارانه می‌توان منابع مورد استفاده مروی را در چند دسته تقسیم‌بندی کرد: منابع دولتی و دیوانی، مشاهدات عینی، مسموعات و آثار مورخان پیشین.

بنا بر نظر مصحح، تواریخی چون *عالم‌آرای عباسی*، *ظفرنامه‌یزدی* و *جهانگشای نادری* الگوی مورخ برای نگارش اثرش بوده است (مروی، ۱۳۷۴: ۷۱/۱). ورود مروی از سن شانزده سالگی به دستگاه نادر و جایگاه او به عنوان یک مورخ درباری سبب شده است وی در بخش‌هایی از کتاب، اطلاعات دقیقی ارائه دهد که جز از طریق دسترسی به اسناد دولتی چنان آگاهی‌های موثقی میسر نبوده است (همان: ۶۵۵/۲). قسمت اعظم مطالب کتاب، مشهودات مؤلف است و آنجا که از شاهدان عینی نقل می‌کند، عباراتی کلی نظیر «راوی روایت می‌کند»، «به قول برخی» و «تقریر نمودند» را به کار برده است (همان: ۵۱۴/۲). وی در نقل از شاهدان عینی نیز از تکنیک‌های روشی به عنوان گزاره‌های معیار (بارت، ۱۳۷۳: ۸۳) استفاده کرده است. این گزاره‌ها همان اشاره صریح مورخ به روایتی از متن دیگر است. گاه مروی با آوردن صفاتی چون *راویان صحیح القول*، *صادق و سخنور* (مروی، ۱۳۷۴: ۶۰۹/۲) می‌کوشد تا بر صحت روایت خود صحنه گذارده و به گزارش‌های خود درجه اعتبار بخشد. در بعضی از موارد نیز برای نشان دادن اهمیت روایت با تأکید بر کثرت راویان خبر و آوردن عبارت «از قول اکثر راویان» ارزش روایت را به خواننده خود گوشزد نموده است (همان: ۷۴۶/۲).

در کنار موارد فوق توجه به احتیاط مروی در نقل روایات، قابل توجه است. مورخ آنجا که خبری را شنیده، ولی برای وی اثبات نشده از عبارت «العهدہ علی الراوی» استفاده کرده است (همان: ۷۷۰/۲). هنگامی که وقوع خبری را به لحاظ عقلی نمی‌پذیرد، از ذکر آن غافل نشده، اما مسئولیت خبر را بر عهده راوی آن می‌گذارد. گاه در تحلیل قضایا سکوت کرده و با عباراتی چون «الله اعلم» یا «العلم عندالله» نظر قطعی را ثبت نکرده است (همان: ۶۰۸/۲). این شیوه در نقل روایت از پیوند بینش و روش مورخ حکایت می‌کند. کاربرد این تعبیرات به نوعی یکی از مؤلفه‌های بینش تقدیرگرایانه است؛ در مواردی هم این عبارات مؤید تقدیرگرایی مورخ نبوده، بلکه حاکی از روحیه‌ی محافظه‌کاری و پرهیز مورخ از تحلیل و اظهار نظر به دلیل ترس از حاکمیت و معذوریت‌های سیاسی است.

جایگاه سرگذشت‌نامه نویسی در عالم آرای نادری

روش سرگذشت‌نامه‌ای در ایران از پیشینه دراز دامنه‌ای برخوردار است. زندگی‌نامه‌نویسی پر دوام‌ترین شکل روایت تاریخی است که سهمی مهم در تاریخ‌نگاری داشته است (زرین-کوب، ۱۳۷۰: ۶۳؛ آبوزرن، ۱۳۸۹: ۴۳). از آنجا که پردازش همه ابعاد زندگی یک انسان نه ممکن است و نه مطلوب، سرگذشت‌نامه می‌کوشد که جنبه‌هایی از زندگی یک شخصیت را در پرتو توصیف، به تصویر بکشد (ملائی‌توانی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). مروی نیز تاریخ خود را در قالب یک سرگذشت‌نامه به نگارش درآورده است. به طوری که کتاب او نیز به نام نادر، عالم آرای نادری نام گرفته است. در این اثر می‌توان سرگذشت نادر از تولد تا مرگ او را دنبال نمود. وی در این زمینه می‌نویسد: «ذره حقیر، شرح وقایع احوال آن حضرت را، از ایام صبا تا هنگام جوانی و آغاز ولایت‌گیری تا زمان وصول سپهداری ایران مفصلاً تشریح نموده است» (مروی، ۱۳۷۴: ۴۴۶/۲). گویا انتخاب نام عالم آرا از سوی مروی، تقلیدی از عالم آرای عباسی و عالم آرای امینی (خنجی‌اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱) است.

در تقسیم‌بندی زندگی‌نامه‌ها، عالم آرای نادری، در ردیف زندگی‌نامه‌های فردی قرار دارد که دربردارنده‌ی زندگی یک شخصیت واحد یعنی نادر است. وی در اثر خود سرگذشت نادر را با بزرگ‌نمایی به نگارش درآورده که از این حیث نوعی زندگی‌نامه بلند محسوب می‌شود. مروی در وصف تولد نادر می‌نویسد: «به تاریخ سنه ۱۰۹۹ زوجه امامقلی بار حمل گرفته بعد از نه ماه و نه روز و نه ساعت خداوند عالمیان فرزند نرینه آفتاب طلعه‌ای به او کرامت فرموده اسم او را نادر نهادند. چون یکساله شد، سه ساله در نظر آمده چون به ده سالگی رسید خود را پادشاه لقب نموده طفلان را منصب حکومت می‌داد» (مروی، ۱۳۷۴: ۹/۱). از دیگر جنبه‌های زندگی‌نامه‌نویسی می‌توان به توصیف عروسی نادر، تاجگذاری در دشت مغان و مرگ نادر (همان: ۱/ ۱۲۶؛ ۱۱۹۶/۳) اشاره کرد.

بینش در تاریخ‌نگاری مروی

در این قسمت پس از بررسی منابع فکری مروی، زندگی‌نامه، بافت موقعیتی، هدف و فایده تاریخ از منظر مورخ مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل پرداختن به زندگی‌نامه، ارزیابی

عوامل و رخدادهایی نظیر شرایط زمانه و بافت موقعیتی است که بر شخصیت مروی و نظام فکری او تأثیر گذارده است.

زندگینامه مروی و تأثیرات آن در شکل‌گیری بینش مورخ

مروی در سال ۱۳۳۳ هـ.ق در شهر مرو به دنیا آمد. وی از قزلباش‌های مرو و خاندانش از قاجارهای تبریز بوده‌اند که در زمان شاه عباس از تبریز به مرو کوچانده شدند (مرو، ۱۳۷۴: ۵/۱). وی از سال ۱۱۴۳ هـ.ق در مشهد به تحصیل پرداخت و در سال ۱۱۴۹ هـ.ق به همراه پدرش به تبریز رفت و در دستگاه ابراهیم‌خان، برادر نادر به کار در دفترخانه مشغول گردید. انتقال کار پدر به پسر نشان از جایگاه درباری پدر دارد و این سابقه، گویا در جلب نظر نادر و ابراهیم‌خان به پسر نیز مؤثر بوده است. مروی پس از مرگ ابراهیم‌خان برای استقبال از نادر که از فتح هند باز می‌گشت راهی هرات شد و در لشکرکشی نادر به ترکستان او را همراهی کرد. از جمله مشاغل دیگر وی در دستگاه نادری می‌توان به لشکرنویسی، وزیر توپخانه، جباخانه، شترخانه، قورخانه و رسیدگی به وضع اسرای ایرانی در خوارزم (همان: ۹۷۵/۳) اشاره کرد. از میان مشاغل یاد شده، منصب وزیری مروی از همه مهم‌تر بود. به طوری که مؤلف در مقدمه جلدهای کتاب خود بارها از مقام وزیری خود سخن به میان آورده است (همان: ۲/۱؛ ۴۴۶/۲؛ ۸۸۴/۳). این منصب، عالی‌ترین مقامی بوده که مروی پیش از نگارش اثر بدان دست یافته که نشان دهنده میزان موفقیت او در امور دیوانی بوده است. در واقع مناصب اداری در شکل‌گیری شخصیت، بینش و روش مؤلف و بویژه در تاریخ‌نگاری‌اش به لحاظ محتوایی نیز اثر گذارده است.

از دیگر مباحثی که در بینش و روش مورخ تأثیرگذار است، شرایط زمانه و روزگاری است که مؤلف در آن می‌زیسته است (اسکینر، ۱۳۸۰: ۳۶). تسلط افغان‌ها بر ایران و حملات عثمانیان، قحطی، بیماری و ناامنی راه‌ها از وضعیت نابسامان ایران حکایت می‌کرد که با تلاش‌های نادر به این آشفتگی‌ها پایان داده شد (آوری، ۱۳۸۷: ۵۸؛ فلور، ۱۳۶۵: ۱۳). او که اهمیت سرکوبی دشمنان داخلی و خارجی را درک کرده بود، متجاوزان را عقب راند و مرزهای جغرافیایی ایران عصر صفویه را تا حد زیادی تجدید کرد.

مرو، زاده‌ی محیط پر آشوب مرو و پرورش‌یافته‌ی فضای پر اضطراب مشهد در آخرین روزهای عصر صفوی و نخستین روزهای قیام نادر است. لذا این اوضاع در ساختار شخصیتی مروی اثرگذار و سبب شکل‌گیری تمایلات او در ابعاد سیاسی، اجتماعی و مذهبی شد. در حوزه سیاست، فردی طرفدار سلطنت، در حوزه اجتماعی، شخصی نخبه‌گرا و در عرصه دینی، عالمی متعصب بود. مروی درمان درد را در وجود یک دولت نیرومند جستجو می‌کرد و در آن آشوب به نظر می‌رسد که ظهور نادر برای او نقطه امید بود که ایران و زادگاهش، مرو را از حضور بیگانه پاک کند.

با نگاهی به تواریخ عصر افشاری می‌توان دریافت که سقوط صفویه و ظهور دولت نادری ماهیتاً به یکدیگر وابسته و لازم و ملزوم هم‌اند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۳۲)، چرا که مورخان عصر افشاریه نیز ناخودآگاه به پاره‌ای از زمینه‌های سقوط صفویان پرداخته‌اند که این مسأله در *عالم‌آرای نادری* نیز نمود پیدا کرده است.

اعتقادات و گرایش‌های فکری مروی

یکی از مباحثی که به شناخت خرد فکری مؤلف کمک می‌کند، اعتقادات مذهبی است (آرام، ۱۳۸۶: ۲۹۲). مروی فردی مذهبی و شریعت‌مدار بوده است. در بینش مذهبی او گرایش شیعی و آمیختگی دین و دولت، گزارش‌های تاریخی او را تحت‌الشعاع قرار داده است. مروی برای کامیابی‌های نادر ویژگی‌های معنوی قائل شده و تألیفش از صورت یک اثر تاریخی به یک اثر دینی تغییر می‌کند. آنجا که برای پیروزی نادر تعبیر «اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ» را به کار برده و از نادر به عنوان «مظهر لطف‌الهی» یاد کرده است (مروی، ۱۳۷۴: ۸۸۹/۳). مورخ سعی دارد مخالفین نادر را مخالف اسلام نشان دهد و حملات نادر را به عنوان حرکتی دینی تلقی می‌کند. وی لشکرکشی نادر به هرات را اینگونه شرح می‌دهد که: «در تسخیر قلعه‌جات معاندین اجاق سیدالمرسلین برقرار بوده و تفضل‌الهی شامل حال او گردیده، به میمنت اعجاز علی بن موسی رضا، دوازده هزار سبزیپوش خود را به سپاه آنان زده، خایب برگشتند» (همان: ۲۳ / ۱).

علاقه مذهبی مورخ به صفویه نیز در اثرش نمود یافته است. وی از صفویه با عنوان

سلسله «علیه» و «جلیله» (همان: ۴۵۵/۲) یاد کرده است. گاه نگاه جانبدارانه مروی به صفویه چنان بر وقایع احاطه یافته که از شاهان صفوی با صفاتی چون «عالمان دین‌پناه» و «مروجان دین اثنا عشر» (همان: ۹۶/۱) یاد می‌کند. عناوینی که مروی برای برخی از پادشاهان صفوی و بازماندگان آنها به کار می‌برد، تحت تأثیر بینش اوست. عنوان‌های خاصی چون القاب «اثنی عشری» و «شعار حق امامیه» حاکی از قداست مذهبی صفویه در نزد مؤلف می‌باشد. عرق مذهبی مورخ به حدی است که می‌کوشد در ارتباط با مشروعیت حکومت، نسبت نادر را با صفویه پیوند دهد. نمونه‌ای از این تلاش را می‌توان در شرح ازدواج رضا قلی میرزا با خواهر طهماسب مشاهده کرد (همان: ۱۶۶/۱). مروی این مشروعیت را با شرحی مفصل از «تولد ثمره شجره سلطنت» و خلافت شاهرخ میرزا، جانشین ارشد نادر تکمیل می‌کند. گاه ارادت مورخ به مذهب تشیع در اشعار او نیز بازتاب پیدا کرده است.

الهی به اعجاز هشت و چهار به حق محمد شه افتخار

در فتح بر روی من باز کن میان جهانم سرافراز کن (همان: ۳۳۰/۱).

تأملی در بینش تاریخی مروی

داده‌های موجود در باب اعتقادات و مباحث بینشی مروی و عوامل تأثیرگذار بر آن بسیار اندک است و برای کسب اطلاعات درباره بینش مورخ بایستی به سراغ گزارش‌های تاریخی وی رفت. لذا برای بررسی و تحلیل مهمترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده بینش مروی به دسته‌بندی این عوامل در ذیل پرداخته شده است:

هدف و فایده تاریخ از منظر مروی و تأثیر آن بر بینش مورخ

یکی از پرسش‌های اساسی در مورد یک متن تاریخی هدف و فایده تاریخ از منظر مورخ است. هر یک از مورخان در مقدمه اثر خود در این باب توضیحاتی ارائه کرده‌اند. مروی نیز به تاریخ، به عنوان یک فن شریف نگاه کرده و آن را اطلاع از وقایع پادشاهان می‌داند (همان: ۲/۱). وی هدف دیگر از نگارش اثرش را میل به حقیقت‌جویی عنوان کرده است. او خرد انسانی را در فهم تاریخ به کار گرفته و انتخاب مواد تاریخ را با ملاک ظرفیت عقل

بشری می‌سجد و از ذکر حالات فرمانروایان چون ذخیره‌ای برای بقای نام ایشان و توشه‌ای برای مطالعه‌کنندگان این فن یاد کرده است (همان: ۲/۱).

مرووی مانند مؤلف جامع‌التواریخ اشاعه تاریخ را در بُعد وسیع زمان و مکان مطرح می‌کند. همدانی در این باره می‌نویسد: «ذکر ایشان بر روی زمین و روزگار بماند» (همدانی، ۱۳۷۳: ۲۳). مرووی با عبارتی مشابه، ثبت وقایع پادشاهان را «ذخیره‌ای جهت ابقای نام» و ماندگاری آن بر صحیفه‌ی روزگار دانسته است (مرووی، ۱۳۷۴: ۲/۱). این نگاه مورخ در ثبت وقایع نیز متضمن بینش نخبه‌گرایانه و هدایت تاریخ‌نگاری او به سمت یک تاریخ‌درباری است.

در کنار اهداف تاریخ‌نگاری مرووی، زمینه‌نگارش کتاب او را باید در علتی فراتر از انگیزه‌های فوق جستجو کرد، عاملی که خبر از شرایط و موقعیت زمانه دارد. مرووی در مقدمه *عالم‌آرای نادری* دلیل نگارش کتابش را این‌گونه بیان کرده است: «هنگامی که ابواب محنت از شش جهت بر روزگار گشوده شد، راقم را غرض اصلی از این اوراق، احوال صاحبقران و قضایایی که در هنگام آشوب ایران و زمان طلوع اقبال آن والانزاد از خراسان و جلوس بر اورنگ فرمانروایی این ممالک، ارم نشان بود» (همان: ۴/۱).

بینش سلطنت محور و نخبه‌گرا

مرووی از جمله مورخان است که در تاریخ‌نگاری خود در تداوم اندیشه ایرانی‌شهری و مشروعیت‌بخشی به سلطان (مجتبایی، ۱۳۵۲: ۱۲۱) به مفاهیمی چون فره‌ایزدی و تفکر ظل‌اللهی اشاره کرده است (همان: ۹۰۷/۳). از نظر او نادر جانشین خدا بر روی زمین و سلطنت او موهبتی الهی است. عباراتی از این دست نشان‌دهنده نگرش نویسنده در جهت مشروعیت‌بخشی به مقام سلطان است (Tucker, 1993: 95-117).

گفتمان شاخص در *عالم‌آرای نادری* بر نظامی‌گری و صفاتی چون جنگاوری نادر استوار است. ارتقای منصب نادر از کودکی و رسیدن وی به پادشاهی و رویکرد نظامی او و سپاهیان‌ش در سرکوبی شورش‌ها، ماهیت سیاسی و نظامی ساختار حکومت او را آشکار می‌سازد. بزرگ‌نمایی سپاه نادر توسط مورخ نیز نشان از گفتمان سلطنت محور در این اثر

دارد. مؤلف، گزارش‌های نظامی خود را درباره نادر با نگاهی جانبدارانه ارائه کرده است. وی لازمه امنیت یک جامعه را وجود قدرتی مطلق می‌داند و فقدان آن را مایه نابودی ذکر کرده و می‌نویسد: «سر رشته انتظام امور عالم به موجب «وَجَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» به وجود نادر دوران مربوط است که به مؤدای «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» طریق رفاه حال خلق الله و امنیت را نصب‌العین و به جَهد در آسایش کوشش نموده» (مروی، ۱۳۷۴: ۸۸۳/۳).

گرایش نخبه‌گرایانه مروی نیز سبب شده که برخی از تحولات تاریخی را نتیجه کنش و واکنش نخبگان بداند. مروی در بحث نخبگان از نادر به عنوان نخبه ایام یاد کرده است: «نادر عصری که از ایام آدم الی این دم هیچ مخلوقی به چنین اسمی موسوم نشده، قدم جلادت پیش گذاشت که داد هر مظلومی را استرداد و هر ویرانی را آبادان کند» (همان: ۵۲/۱). آوردن عباراتی چون «آراینده دیهم خسروانی»، «خسرو سلیمان نشان» (همان: ۱۵۵/۱)، «اسکندر ذوالقرنین» (همان: ۸۸۵/۳) در وصف نادر، نشان از بینش سلطنت‌محور مورخ دارد. مروی در اکثر موارد به تفصیل، به شرح جنگ‌هایی می‌پردازد که پیروزی از آن شاه و سپاه نادر است. شرح و بسط روایت‌های پیروزی نادر، مؤید این بینش است. بینش سلطنت‌محور مروی حتی سبب شده که در نگارش خود به وضع ارتش و ترکیب آن، سلاح‌ها و شیوه‌های جنگی نادر نیز توجه کند (همان: ۹۷/۱). در کنار بینش نخبه‌گرایانه‌ی مروی، توجه مورخ به امور نظامی بیشتر تحت تأثیر منصب لشکرنویسی او بوده است.

بینش قهرمانانه محور

در این اندیشه، مورخ حکومت زمینی را در قالب حکومت صوری و نمادی از حکومت آسمانی می‌داند. در نتیجه لازم است که اداره امور زمینی جامعه در ید با کفایت انسانی برگزیده باشد تا از پس اداره امور برآید. نسبت دادن کارهای فوق بشری به نادر توسط مروی از چنین تفکری نشأت می‌گیرد.

مروی با پرداختن به زندگی نادر، به قهرمان داستان وجهه‌ای کاریزمایی داده است. آنچه

به تقویت بُعد قهرمانی نادر در بیان مروی کمک کرد، مشابهتی است که او میان نادر و قهرمان شاهنامه انجام داده و او را به قهرمانان تشبیه کرده و این بُعد پهلوانی، قهرمانی و ظل‌اللهی را با یکدیگر پیوند زده است (غفاری‌جاهد، ۱۳۸۹: ۱۰۲). از دید مروی این نوع تاریخ‌نویسی از کارهایی است که پهلوانانی چون رستم انجام می‌دادند و یک تنه به میدان می‌رفتند. گاه مروی، نادر را قهرمانی بدون اشتباه دانسته و او را در مقابل اعمال ناپسندش سرزنش نمی‌کند، بلکه با دلایلی سعی در توجیه آن نموده است. وی به هنگام اشاره به مقام ظل‌اللهی نادر و سپاه پیروز او در محاصره قندهار، از نادر به عنوان شخصیتی یاد کرده که گویی کلیه‌ی خصوصیات را که در خور یک قهرمان می‌باشد، در نادر جمع شده است. مروی مقام قهرمانانه نادر در جنگ‌ها را با ذکر «وَالشَّمْسِ وَاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ» مورد تأکید قرار داده است (مروی، ۱۳۷۴: ۴۹۰/۲). بینش قهرمانانه‌محور مروی، تداعی کننده دیدگاه کارلایل است. به باور او تاریخ را قهرمانان می‌سازند که مستحق رهبری جامعه‌اند (کارلایل، ۱۳۶۷: ۴۰).

نمونه‌های دیگری از دیدگاه قهرمانانه محور مروی در *عالم‌آرای نادری* چنین انعکاس یافته است: «به هر طرف که آن نهنگ شجاعت حمله می‌آورد، از کشته‌ها، پشته‌ها ترتیب می‌داد» (مروی، ۱۳۷۴: ۸۴/۱). نادر زمانی که در خدمت حاکم ایبورد بود به دست ترکمنان یموت اسیر شد، اما پس از مدتی آزاد گردید. داستان آزادی وی در تعبیر مروی به اعمال قهرمانان شباهتی نزدیک دارد: «نادر بند را چون تار عنکبوت از هم گسیخت» (همان: ۱۳/۱). مورخ از اقدامات قهرمانانه نادر آنگونه یاد می‌کند که: «اگر افراسیاب و اسفندیار در آن معرکه می‌بودند، حلقه شجاعت آن نامدار را در گوش می‌کشیدند» (همان: ۶۱/۱). در واقع داشتن نگاه قهرمانانه به نادر در بینش مروی با بُعد نخبه‌گرایانه او پیوند خورده است.

بینش مشیت‌گرایانه

یکی از مواردی که در مکاتب گوناگون تاریخ‌نگاری اسلامی مورد توجه مورخین قرار گرفته و سعی شده تا وقایع مختلف براساس آن تفسیر شود، مسأله قضا و قدر است. شرایط اقلیمی، جنگ‌ها، حکومت‌ها و نگرش‌های مذهبی از دیگر بسترهای رشد این اندیشه بوده

است. در تاریخ‌نگاری مبتنی بر مشیت‌الهی مورخ به جای کشف روابط علی میان پدیده‌ها، در بیان وقایع بدون ایجاد هر گونه پیوند منطقی و نگرشی ریشه‌شناسانه نسبت به حوادث و حتی نقادی آنها به خواست مشیت‌الهی اکتفا می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۸؛ شرفی، ۱۳۹۲: ۲).

در اثر مروی گرایش به معجزه حضور پر رنگی دارد. این نوع نگاه به تاریخ به نوعی متأثر از باور به مشیت‌الهی است که به عنوان فرا تاریخ (آقاجری، ۱۳۸۰: ۹۲) در روند تاریخی حوادث نقش‌آفرینی می‌کند. مروی ظهور و سقوط دولت‌ها و سایر رخدادها را ناشی از مشیت‌الهی قلمداد کرده است (مروی، ۱۳۷۴: ۸۳۲/۲). وی نیز تبیین‌های تقدیرگرایانه را در شرح موضوعاتی چون تولد، جلوس، پیروزی‌ها و مرگ نادر به کار بسته و در تمامی آنها اراده خداوند را علت غایی دانسته است (همان: ۷۷۵/۲). گاه وی با نگاه مشیت‌گرایانه، بسیاری از حوادث را نتیجه تقدیر دانسته و آن را تحمل‌پذیر جلوه می‌دهد. نظیر کشتار مردم دهلی که از اندوهناکترین حوادث ایام نادر است. مروی با عباراتی نظیر «فرمان قضا جریان به نفاذ پیوست» و «از قضایای فلکی» (همان: ۸۹۴/۳) دیدگاه مشیت‌گرایانه خود را نمایان می‌سازد.

مروی از مورخانی است که پذیرش تقدیر برای او یک مقوله عمیق دینی است. وی گاه از امدادهای غیبی با عناوینی چون «اسیر پنجه تقدیر شدند» (مروی، ۱۳۷۴: ۵۳۳/۲) برای توجیه خطاهای سلطان بهره برده است. در واقع دیدگاه تاریخی او در درجه اول از اعتقادات مذهبی‌اش سرچشمه می‌گیرد. وی همچنین از عنایت خداوند در حق بندگان سخن می‌گوید که وقتی او بنده‌ای را به عنایت خود مشمول سازد، مقدمات تربیتش را فراهم می‌سازد (همان: ۳۰۳/۱). در باور مذهبی مروی، خداوند نادر را برای کشورگشایی انتخاب و از همان ابتدا او را برای تقدیری که در نظر داشت، آماده کرد. تقدیرگرا بودن مروی یکی از عناصر مهم بینش اعتقادی اوست که در تاریخ‌نگاری او به کرات دیده می‌شود، ولی با توجه به جایگاه‌های کاربرد این اندیشه نباید از این نکته غفلت نمود که گاه در مواردی این بینش اعتقادی نویسنده به صورت یک سپر برای احتیاط سیاسی و ترس از مجازات حاکمیت به کار برده شده است.

جایگاه نگرش انتقادی در عالم آرای نادری

با توجه به بینش تقدیرگرایانه و توضیحاتی که در شرح آن گذشت، شاید اختصاص مطلبی به بینش انتقادی مروی قابل پذیرش نباشد، اما باید دانست که در مواردی در عالم آرای نادری می‌توان به نظرات انتقادی مروی در روایت‌هایش دست یافت. یکی از انواع تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری تعلیلی یا انتقادی است (قائمی، ۱۳۷۲: ۱۲۰؛ مفتخری، ۱۳۸۷: ۵). در این نوع تاریخ‌نگاری هم بینش و هم روش مورخ متفاوت است و به صرف رویدادها بسنده نمی‌کند، بلکه با استفاده از ابزارهایی چون عقل و خرد به تحلیل آن می‌پردازد (ملائی‌توانی، ۱۳۸۶: ۸۹).

مروی سی سال از عمر خود را صرف امور دولتی کرد. وی مانند سایر مورخان، تاریخ‌نگاری خود را در خدمت جاودانه‌سازی حکومت قرار داد، اما آنچه سبب تمایز تاریخ‌نگاری وی با بسیاری از منابع تاریخی می‌شود، بهره‌گیری او از بینش انتقادی در تحلیل وقایع است. مروی از مورخانی است که گاه میان متن و پایگاه و مناصب دولتی‌اش رابطه برقرار کرده و آنجا که ضرورت اقتضا نموده از ذکر واقعیت‌های زمانه و دستگاه نادری مضایقه نکرده است. از سوی دیگر شاید بتوان این اشارات مروی را انتقادات تلویحی مورخ نسبت به حاکمیت تلقی کرد. از این دست می‌توان به گزارش مورخ از وضعیت اسفناک مردم طاعون و وبا در مرو (مرو، ۱۳۷۴: ۵۸/۲) و اوج قتل و عام نادر در جنگ با افغان‌ها (همان: ۸۶/۱) اشاره کرد.

بخشی از رویکرد انتقادی مروی نیز به عملکرد صاحبان قدرت باز می‌گردد. وی در ذیل روایت‌های مربوط به سرکوبی متمردان، در لفافه به اعمال ناپسند نادر اشاره کرده است. آنجا که نادر در بازگشت از سفر هند دستور می‌دهد که از سرکردگان، جواهرات اضافی را باز پس گیرند. وی در ادامه با لحنی ملایم می‌نویسد: «این نحو خیالات، خداناشناسی و شیطانی است» (همان: ۷۵۵/۲). نمونه‌هایی از این انتقادات در ذیل آمده است:

- اسارت زنان و کودکان در لشکرکشی نادر به فارس: «سه شبانه روز نسا و اطفال را به غازیان بخشیده، عرض و ناموس بر مردم نمانده، بیسیرتی که از حیز خیال بیرون است

به حال آن مسلمانان راه یافت» (همان: ۳۴۳/۱).

- اسارت اهل شیراز: «جمع شیراز را تا سه شبانه روز تاراج و اطفال را اسیر کردند. حسب‌الفرمان نادری، جبر زیاد به سکان آن دیار رخ داد» (همان: ۹۵۴/۳).
- حمله خونین نادر به دهلی: «از صغیر و کبیر و دختران و زنان عصمت جوی را اسیر، دود بی‌ناموسی از خان و مان هر صاحب مکنت برآوردند که گوش زمانه بدان مشقت واهمه‌ای نشنیده و ندیده» (همان: ۷۴۶/۲).

در مواردی در خلال نصیحت‌های اخلاقی به شیوه‌ای تلویحی و کلی وظایف پادشاهان را یادآور شده است: «بر مستمعان پوشیده نماناد که باید سلاطین برادر و فرزند را بر سایر خدمتگزاران ترجیح ندهند، هر چند غلام حبشی باشد و بر پادشاهان عدالت‌گستر متحتم است که بر حال رعایا ترحم نموده چون پدر مشفق به حال فرزندان و چون باغبان به تربیت اشجار» (همان: ۶۹۱/۲).

گاه مورخ نکات اخلاقی خود را در قالب اشعاری حماسی-تعلیمی بیان کرده است (همان: ۶۸۹/۲). از جمله مضامین اشعار تعلیمی می‌توان به مواردی چون رفاه حال رعیت، فانی بودن دنیا، احسان و نیکی و عدالت (همان: ۹۷۳/۳) اشاره کرد. آوردن این اشعار اگرچه بیشتر به نظر می‌رسد که به بحث ویژگی‌های سبکی نویسنده نزدیک باشد، با این حال ذکر آن بیانگر برخی از نگرش‌های انتقادی مورخ است. از آنجا که بسیاری از شاهکارهای ادبی اعم از نظم و نثر از بُعد تعلیمی برخوردار هستند (مؤتمن، ۱۳۷۱: ۱۸۶؛ رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۷)، به نظر می‌رسد که مروی با اشاره به اشعار تربیتی در پی آن بوده که فراتر از یک روایت‌کننده، دستورات اخلاقی را به مخاطب گوشزد نماید. سه نوع لحن حماسی، غم‌انگیز، غضبناک در اثر وی قابل رؤیت است. در جایی که صحبت از ناکامی لشکریان در جنگ با لزگیان می‌کند، با اندوهی از غم می‌نویسد و آنجا که سخن از فتح نادر است، قلم او جنبه حماسی به خود می‌گیرد و تداعی اشعار حماسی فردوسی را دارد و هر جا که مستلزم بروز شادی توأم با غرور است، لحن وی به حماسه نزدیک‌تر می‌شود.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه روشی مروی در بازنویسی و بازآفرینی اثرش از طیف وسیعی از منابع استفاده کرده است. این طیف از منابع، آثار تاریخ‌نگاری مورخان پیشین تا اسناد دولتی و مشاهدات عینی و مسموعات وی را در بر می‌گیرد. او در سبک نگارش خود از سبک بینابین استفاده کرده است. استفاده از سبک بینابین در تاریخ‌نگاری مروی با اوضاع زمانه مورخ پیوندی ناگسستنی دارد. سبک نگارش *عالم‌آرای نادری* بین نثر متکلف با عبارات پیچیده اعم از کاربرد آیات قرآنی، اشعار، امثله عربی و نثر مرسل عامه فهم، در نوسان است. مروی آنجا که سخن از مدح نادر و پیروزی‌های اوست، زبانی تکلف‌آمیز به کار می‌برد، اما در نقل وقایع، نثری ساده را در پیش می‌گیرد.

از دیدگاه بینشی، مروی در نگارش *عالم‌آرای نادری* متأثر از فضای عصر خویش بوده است. گرچه *عالم‌آرا* بر خلاف دیگر تواریخ عصر افشاری در برخی از موارد به مسائل اجتماعی پرداخته، اما به علت توجه بیش از اندازه وی به تاریخ نظامی، صبغه گزارش سیاسی در آن غالب است. در بینش فکری مروی همانند دیگر هم‌تایان او سلطنت، ودیعه‌ای الهی و سلطان سایه خدا در زمین بوده که در کانون تاریخ‌نگاری وی قرار گرفته است. چنانکه وی یکی از انگیزه‌های قوی تاریخ‌نگاری در اثرش را تقرب به سلطان ذکر کرده است. البته توجه به مناصب دیوانی مورخ نیز در انگیزه وی برای نگارش تاریخ و تحلیل او از مسائل حکومتی بی‌تأثیر نبوده است. به طوری که تأثیر این ویژگی بر بینش مورخ می‌توانسته به شکل بروز تمایلات نخبه‌گرایانه در نگارش رخدادها اثرگذار باشد. در مواردی هم مشیت‌گرایی صرفاً یک باور اعتقادی نبوده، بلکه محافظه‌کاری و احتیاط سیاسی مورخ را به سمت و سوی تقدیرگرایی سوق داده است.

منابع و مأخذ

- آبوزرن، برایان (۱۳۸۹)، *چگونه زندگی‌نامه بنویسیم*، ترجمه محسن سلیمانی، تهران، سوره مهر.
- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶)، *اندیشه تاریخ‌نگاری صفوی*، تهران، امیرکبیر.
- آقاجری، هاشم؛ زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۰)، *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، تهران، نقش جهان.
- آوری، پیتز (۱۳۸۷)، *تاریخ ایران، از نادرشاه تا زندیه*، تهران، مهتاب.
- اسکینر، کوئنتین (۱۳۸۰)، *ماکیاولی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو.
- بارت، رولان (۱۳۷۳)، «*گفتار تاریخی*»، *ارغنون*، ترجمه فضل‌الله پاکزاد، ش ۴، س ۱، زمستان، ۱۳۵-۱۶۱.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۰)، *سیک‌شناسی بهار*، به اهتمام ابوطالب میرعبدینی، تهران، توس.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۵۰)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تهران، امیرکبیر.
- خنجی‌اصفهانی، فضل‌الله (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، به کوشش محمداکبر عشیق، تهران، میراث مکتوب.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۴)، *انواع ادبی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، *انواع نثر فارسی*، تهران، سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیرکبیر.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- شرفی، محبوبه (۱۳۹۲)، «*بازتاب اندیشه مشیت الهی در تاریخ‌نگاری ایلخانی*»، *جستارهای تاریخی*، ش ۲، س ۴، پاییز، ۶۹-۹۱.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۰)، *درآمدی بر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مسلمانان*، قم، تبلیغات اسلامی.

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۷)، *سبک‌شناسی بهار*، تهران، میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران، فردوس.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر منبع‌شناسی پژوهش در عصر صفوی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۳۷، س ۴، آذر، ۱۷-۲۵.
- غفاری‌جاهد، مریم (۱۳۸۹)، «طلوع و غروب نادرشاه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۴۷، مرداد، ۱۰۱-۱۰۴.
- فلور، ویلم (۱۳۶۵)، *برافتادن صفویان*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- قائمی، علی (۱۳۷۲)، *روشن تحقیق*، تهران، انتشارات امیری.
- کارلایل، توماس (۱۳۶۷)، *قهرمان پرستی و قهرمانی در تاریخ*، تهران، نشر علمی.
- کوبین، شعله (۱۳۸۷)، *تاریخ‌نویسی در روزگار صفوی*، ترجمه منصور صفت‌گل، تهران، دانشگاه تهران.
- مجتبابی، فتح‌الله (۱۳۵۲)، *شاهی آرمانی*، تهران، انجمن فرهنگ ایران.
- مروی، محمدکاظم (۱۳۷۴)، *تاریخ عالم‌آرای نادری*، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، نشر علمی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۷۵)، *تاریخ گزیده*، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- مفتخری، حسین (۱۳۸۷)، «پارادایم‌های روش‌شناختی مؤثر بر پژوهش‌های تاریخی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۲۲، ۴-۱۳.
- ملائی‌توانی، علیرضا (۱۳۸۶)، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی.
- ملائی‌توانی، علیرضا (۱۳۸۸)، «اصول و مبانی سرگذشت‌نگاری»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، س ۱۹، ش ۳، ۱۴۱-۱۶۵.
- مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۷۱)، *تحول شعر فارسی*، تهران، کتابخانه طهوری.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۶)، *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان*، تهران، دانشگاه پیام نور.

- نوروزی، فرشید (۱۳۸۵)، «میراث تاریخ‌نگاری عصر صفوی»، *تاریخ اسلام در آیین پژوهش*، ش ۱۰، تابستان، ۱۱۵-۱۳۶.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳)، *جامع‌التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال.
- Tucker Ernest (1993), *Explaining Nadir Shah: Kingship and Royal Legitimacy in Muhammad Kazim Marvi's "Tārīkh-i 'ālam-ārā-yi Nādirī"*, *Iranian Studies*, Vol. 26, No. 1/2 (Winter – Spring), 95-117.
- Axworthy Michael (2007), *The Army of Nader Shah*, *Iranian Studies*, Vol. 40, No. 635-646.